

در باره آزمایشگاههای بیولوژیکی پنتاگون در اوکراین

<http://www.fondsk.ru/news/۲۰۱۴/۱۱/۲۰/o-biologicheskikh-laboratorijah-pentagona-na-ukraine-۳۰۵۰۸.html>

۲ قوس ۱۳۹۳

برغم وجود توافقنامه بین المللی ناظر بر تنظیم فعالیتهای در عرصه مطالعات بیولوژیکی، ایالات متحده آمریکا در این باره نیز مثل مسئله تولید تسلیحات شیمیایی، از استانداردهای دوگانه پیروی می‌گیرد. نظامیان آمریکائی در کجا و چه تحقیقاتی، بویژه در ارتباط با ویروسهای کشنده بعمل می‌آورند، کاملاً روشن نیست.

پس از حادثه تروریستی نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از تهدیدات بیولوژیکی بمثابه جن به نفع آمریکا بهره برداری می‌شد. بزرگنمایی نامه حاوی گرد سیاه زخم موجب تحریک هیستری در مقیاس عمومی گردید. این حادثه تقریباً یک هفته بعد از حمله به برجهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک اتفاق افتاد که زمینه ایجاد تصور واهی همپیوندی دو حادثه و موضوع واحد خطر «بنیادگرائی اسلامی» را ممکن ساخت (۱). پس از گذشت ده سال، در سال ۲۰۱۱، اسناد رازگشائی شده پلیس فدرال نشان دادند، که پودر سیاه زخم در مؤسسه تحقیقات پزشکی بیماریهای عفونی ارتش آمریکا ساخته شده است (۲).

تعداد آزمایشگاههای آمریکا در مدت ده سال، که طبق نسخه رسمی بمطالعه و تحقیق پیرامون روشهای حفاظت از بیوتروریسم مشغول هستند، از ۲۰ به ۴۰۰ واحد افزایش یافت. مراکز بیولوژیکی بسته در آفریقا و آمریکای لاتین تأسیس گردیدند. آزمایشگاههای بیولوژیکی با مقاصد ناروشن در اوکراین و گرجستان راه اندازی شدند. راه اندازی مرکز بیولوژیکی در قزاقستان در سال ۲۰۱۵ برنامه ریزی شده است. اکثریت این پروژه ها زیر نظر پنتاگون اجرا می‌شود.

بدنبال امضای «توافقنامه همکاری در عرصه فن آوری و عوامل بیماری زای مرتبط با ساخت تسلیحات بیولوژیکی و عدم انتشار اطلاعات در این زمینه» بین آمریکا و گرجستان در سال ۲۰۰۴، طرفین تصمیم گرفتند در شهرک آکسییوکا در نزدیکی تفلیس «آزمایشگاه مبداء بهداشت عمومی» تأسیس نمایند. در مراسم رسمی افتتاح این مؤسسه در ۱۸ مارس سال

۲۰۱۱، اندرو وبر، معاون وزارت دفاع آمریکا در امور دفاع هسته ای، شیمیائی و بیولوژیکی شرکت داشت.

اوکراین از نظر بسط و توسعه مطالعات بیولوژیکی برای نظامیان آمریکائی اهمیت خاصی دارد. بلافاصله پس از پیروزی اولین انقلاب رنگی، بین وزارت بهداری اوکراین و وزارت دفاع آمریکا بسته توافقنامه در خصوص تجهیز آزمایشگاههای بیولوژیکی در اوکراین بامضاء رسید. در سال ۲۰۰۸ طرح کمک آمریکا به وزارت بهداری اوکراین اعلام شد و در ماه اکتبر سال ۲۰۰۹، نظریه توسعه «پروژه کاهش خطر بیولوژیک» معرفی گردید.

اولین مرکز بیولوژیکی در اوکراین در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۱۰ با کمک آمریکا در محل مؤسسه علمی- تحقیقاتی مبارزه با طاعون ای. ای. مچنیکوف شهر اودسا با حضور جون تفت، سفیر آمریکا تأسیس گردید. مؤسسه اودسا بمرکز تولید گونه هایی اختصاص یافت که در ساخت سلاحهای بیولوژیکی بکار می روند. در اوکراین نگهداری غیر متمرکز عوامل بیماری زای خطرناک آزموده می شود. در رابطه با اینها سؤال مطرح می شود: آیا ممکن است بین کار این مؤسسه با کشتار انبوه انسانها در تاریخ ۲ ماه مه سال ۲۰۱۴ در عمارت اتحادیه ها در اودساد ارتباطی وجود داشته باشد؟ بسیاری از کنشگران سیاسی و رسانه های جمعی محلی اعلام کردند، که بمنظور کشتار انبوه انسانها، آن روز از یک ماده ناشناخته استفاده شد.

تنها در یک سال ۲۰۱۳ با حمایت آمریکا در اوکراین آزمایشگاههای بیولوژیکی در شهرهای وینیتسیا، ترنوپل، اوژگوراد، کییف، دنپروپتروفسک، سیمفروپل، خرسون، لووف (پشت سر هم سه آزمایشگاه) و لوهانسک راه اندازی شد...

آزمایشگاههای بیولوژیکی پنتاگون تا امروز با یک نیم دایره روسیه را احاطه کرده است. در سال ۲۰۱۲ کار نوسازی آزمایشگاه بیولوژیکی آذربایجان با پشتیبانی آمریکا به اتمام رسید. احداث مؤسسات مشابه در ازبکستان و قرقیزستان در برنامه های آمریکا گنجانده شده است. اطلاعات بدست آمده حاکی از آن است، که مؤسسه بیولوژیکی قزاقستان را کانات ژان علی بیکوف، میکروب شناس سابق ارتش اتحاد شوروی، تبعه کنونی آمریکا که در اوایل سالهای ۱۹۹۰ به آمریکا مهاجرت کرد و اطلاعات محرمانه در مورد برنامه های نظامی- بیولوژیکی اتحاد شوروی را در اختیار آمریکا گذاشت، سرپرستی خواهد کرد. علی بیکوف پس از بازگشت به قزاقستان در سال ۲۰۱۰، سرپرستی کرسی «دانشگاه نظربایف» را بر عهده گرفت؛ همزمان با آن، او رئیس هیئت مدیره شرکت سهامی «پداروی ملی» نیز می باشد. واقعیتهای زیر سمت و سوی فعالیتهای آمریکا برای تأسیس آزمایشگاههای بیولوژیکی در جمهوریهای همجوار روسیه را نشان می دهد. در سال ۲۰۱۰ در تورکو، طرح مرکز ترانس اروپائی تشخیص مأموران

خطرناک بیولوژیکی تحت سرپرستی آزمایشگاه بیولوژیکی فنلاند- روسیه آماده شد. برخلاف گرجستان و اوکراین، کار مرکز با مشارکت روسیه برنامه ریزی شده و همین طرح را دولت فنلاند تصویب کرده بود. با این حال، بدون ارائه هیچ دلیلی، پروژه را تعطیل کردند. بر اساس داده های منابع غیر رسمی معلوم گردید، که این امر بدستور مستقیم واشنگتن درست زمانی اتفاق افتاد که ایالات متحده آمریکا برای افتتاح آزمایشگاه بیولوژیکی در گرجستان آماده می شد.

در جنگ مخفی بیولوژیکی، که هنوز از دایره آزمایشگاه خارج نشده، نه تنها پنتاگون و سازمانهای ویژه، حتی کئوپراسیونهای متحده در ائتلاف برای ایمنی بیولوژیکی شرکت می کنند. فهرست گروه کمپانیهای شریک در این جنگ بشرح زیر است:

Bavarian Nordic, Cangene Corporation, DOR BioPharma, Inc., DynPort Vaccine Company LLC, Elusys Therapeutics, Inc., Emergent BioSolutions, Hematech, Inc., Human Genome Sciences, Inc., NanoViricides, Inc., Pfizer Inc., PharmAthene, Siga Technologies, Inc., Unither Virology LLC.

همه آنهائی اجزاء تشکیل دهنده باصطلاح «داروخانه بزرگ» (Big Pharma) هستند. این اصطلاح بمعنی ساختار چند شاخه می باشد، که در آنها منافع نمایندگان کنگره آمریکا با منافع صنایع داروسازی و نظامی آمریکا در هم تنیده شده است (۳).

تفسیر مترجم:

خلقهای اتحاد شوروی دههای متوالی در امنیت و آسایش زیستند. خوش خوردند و خوش آرمیدند. بالاخره نمک خوردند و نمکدان شکستند، نان خوردند و سفره دریدند. هر چه گفتند و گفتیم که فریب ماشین تبلیغاتی امپریالیستی - صهیونیستی را، ناتوی رسانه ای را نخورید، بدنبال رهبران» خائن به خلق و میهن، همبسته با دولت مخفی جهانی، با محافل استعماری - صهیونیستی و سازمانهای جاسوسی و خرابکاری آنها راه نیافتید، در پی گارباچوف ها، یلتسین ها، یاکوفلییفها... روان نشوید، اما اتفاق افتاد، آنچه که نباید روی می داد و تنها بدین خیال واهی که در سایه «دمکراسی» صهیونیستی - ناتویی، شب خواهند خوابید و صبح میلیاردر «طلائی»، مثلا مانند یک جرج سوس از خواب برخوانند خاست. اما در آن سالهای پر نعمت، شب خوابیدند و هنگام بیداری متحیرانه دیدند: «نه از تاک نشان مانده و نه از تاک نشان!» از

محل کار و از منبع امرار معاش محروم شده اند، به هر قطعه میهن شرحه شرحه شده شان نام دیگری داده اند؛ نام دهن پرکن و عوامفرب «جمهوری مستقل»! از همان ساعات اولیه اعلام «استقلال جمهوریها»، خودشان گرسنه و رها شده به اما شرنوشت و جمهوری شان به جولانگاه مأموران و جاسوسان، دزدان و خرابکاران، قاتلان و تروریستهای بین المللی تبدیل گردید.

بدین سان، بیکاری، فقر، گرسنگی ابعاد سراسری بخود گرفت؛ اعتیاد، فساد، فحشا بطور ناگهانی پدید آمد و همگانی شد. جرم و جنایت، خودکشی و مرگ در جامعه پسا شوروی رشد جهشی و ناگهانی یافت و در این شرایطی که «هر کسی بفکر خویش و کوسه بفکر ریش» بود، خطوط انتقال برق و لوله های ناقل گاز، ریلهای راههای آهن، ماشینهای تولید مؤسسات و کارخانجات از جا کنده شد و به بهای پیشیزی، به قیمت یک وعده شکم سیر، به یغماگران «خارجی» تحویل گردید؛ یغماگران «دمکرات» و «بشردوست» غربی در «جمهوریهای مستقل» به آن اعمالی دست زدند که در قرون و اعصار کهن با جان و مال و خاک و ناموس دشمنان و اسیران حربی می کردند. در همان سالهای آغازین حذف کشور شوراهای از نقشه سیاسی جهان، غرب در اولین اقدام خصمانه، زباله های اتمی خود را بی سر و صدا در قلمرو «جمهوریهای مستقل»، بخصوص در چاههای متروکه نفت دفن کرد؛ گنجینه های ملی را به یغما برد و اشیاء و لوازمات بنجل، مواد غذایی و داروهای چند سال تاریخ مصرف گذشته اش را در این جوامع آب کرد؛ و...

اما حالا، اندیشمندان، متفکران و کارشناسان همه «جمهوریهای مستقل» در کمال ندامت و پشیمانی، فغان برمی آورند، دلیل و سند ارائه می دهند، گلو پاره می کنند، خاک بر سر می پاشند، فریاد «ننه من غریبم» سر می دهند که آمریکا در فلان سال، در فلان جمهوری «اله» کرد و «بله» کرد...

آری! خانه اوکراین، گرجستان و سایر «جمهوریهای مستقل»، نه امروز، نه هنگام تأسیس آزمایشگاههای بیولوژیکی آمریکا در آنها، بلکه، در همان سالهای ۱۹۹۰ خراب شد و نتیجه خانه خرابی همان سالهاست که آمریکا به چنین جنایاتی علیه بشریت دست می زند. البته، ناگفته پیداست که جرایم و جنایات آمریکا و اروپا، بخصوص در مدت دو-سه دهه اخیر نه تنها در اراضی اتحاد شوروی شهید، بلکه، در سراسر جهان، در تاریخ بشر بی سابقه و بی نظیر است. به همین سبب، شاید لازم به یادآوری باشد که: «هر که سخن ناصحان نشنود، بدو آن رسد که به باخه رسید».